



(یعنی ایران نیاز چندانی به ممانعت از دسترسی سایر کشورها به دریا نداشت و فقط در پی افزایش هزینه برای آنها بود). این رویکرد، ایران را بر آن می‌داشت توان بالقوه خود را برای تهدید کشتیرانی در خلیج فارس تقویت نماید و تنگه هرمز را ببندد، حجم قابل توجهی سلاح کشتار

بیشتر و توانمندتر و با توجه به توانمندی بالای نیروی هوایی برخی از کشورهای منطقه خلیج فارس (مانند نیروی هوایی عربستان سعودی)، استراتژی توان هوایی تهاجمی ایران فقط به آن دسته از کشورهای حوزه خلیج فارس که دفاع هوایی ضعیفی دارند (مانند عراق)، محدود خواهد شد.

جمعی خریداری کند، دفاع هوایی متمرکز خود را برای مقابله با حمله‌ها/ضد حمله‌های هوایی گسترش دهد و نیروهای زمینی خود را برای اعمال بازدارندگی بر عراق، مدرنیزه سازد که این امر، حجم عظیمی از منابع این کشور را مصرف می‌کرد.^(۱)

نکته مهم این که از نقطه نظر ایران، توان بازدارندگی سلاح‌های کشتار جمعی در میزان کارآمدی استراتژی نظامی ملی این کشور نقش محوری ایفا می‌کند. از دید ایران، توان بازدارندگی سلاح‌های کشتار جمعی یعنی دارا بودن ظرفیت لازم برای بکارگیری حجم بالایی از سلاح‌های کشتار جمعی علیه طرف متخاصم در تلافی حمله‌ای که قبلاً توسط آن طرف انجام گرفته، می‌باشد.^(۲)

اولویت استراتژیک دوم ایران توسعه توان تهاجمی نیروی هوایی ایران بود به نحوی که ظرفیت حمله به اهداف دوردست همانند تل‌آویو را داشته باشد. ایران معتقد بود که با این استراتژی می‌تواند ابتکار عمل یک حمله پیشدستانه را در دست داشته باشد. هدف اصلی این استراتژی، افزایش توان تهاجمی نیروی هوایی ایران، که هنوز هم به دلیل عدم امکان خرید هواپیماهای لازم و عدم آموزش خلبان‌های ماهر نیمه تمام مانده است، تدارک هواپیماهای بمبافکن دوربرد و (Su-24 و Tu-22M)، نسل چهارم هواپیماهای جنگنده اسکورت (Su-27 و Mig-29)، امکان سوختگیری هوایی و هواپیماهای آواکس برای فرماندهی و کنترل بود. اما تا زمان دستیابی به هواپیماهای

ایران معتقد بود که اگر ملتی به سلاح‌های کشتار جمعی مجهز باشد، در برابر حملات این‌گونه سلاح‌ها از امنیت نسبی برخوردار خواهد بود. برای مثال، اگر نیروی هوایی ایران به صورت سنتی به تل‌آویو حمله هوایی کند، حمله متقابل اسرائیل نیز فقط از همان

در موقعیتی نیست که، دست کم در آینده نزدیک، ایران قدرتمند و مجهز را تهدید کند. ایران با پاکستان و ترکیه روابط خوبی برقرار کرده است... کشور دیگری که ایران را تهدید کند، در منطقه وجود ندارد. اما یک خطر بالقوه از فاصله دور ایران را تهدید می کند که همانا اسرائیل و آمریکا هستند. اگرچه مقامات نظامی ایران امکان حمله هوایی از سوی اسرائیل به ایران را بسیار اندک می دانند، اما تمهیدات لازم برای رویارویی با هر گونه حمله احتمالی بعمل آمده است.

اگرچه احتمال درگیری نظامی با آمریکا بسیار ضعیف است، اما نیروی دریایی و هوایی ما نقش اصلی را در این رویارویی ایفا خواهند کرد. بنابراین، برای پاسخ مناسب به حمله آمریکا، ایران باید نیروی دریایی خود را به رادارها،

استراتژی ممانعت ایران از دسترسی سایر کشورها به خلیج فارس طی جنگ ایران و عراق، این کشور را به سوی بازسازی توان نظامی خود سوق داد

سیستم های الکترونیکی و موشک های مدرن مجهز نماید. طبق اصول موجود، ده عامل بر نتیجه یک جنگ تأثیر می گذارد ... برخورداری از سلاح های مدرن و پیشرفته یکی از آنهاست. هر چند که نیروی دریایی ایران از لحاظ دست کم شش یا هفت مورد از این موارد بر نیروی دریایی آمریکا برتری دارد، اما نهایت سعی خود را برای بهبود و گسترش توانمندی های دفاعی خود و رسیدن به برتری در هر ده مورد به عمل می آورد. بعلاوه، ایران استراتژی خود

نوع (با استفاده از جنگنده بمب افکن) خواهد بود و این کشور با توجه به برخورداری ایران از سلاح های کشتار جمعی، از توسل به حمله اتمی خودداری خواهد کرد. بنابراین، ایران پیش بینی می کرد که در آینده خواهد توانست میزان چنین منازعاتی را کاهش دهد یا آن را محدود سازد. (۳) جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس باعث شد ایران به این نتیجه برسد که در رویارویی با ملل غربی، برخورداری از سلاح های کشتار جمعی یک امر واجب است نه یک موضوع حاشیه ای.

استراتژی ممانعت ایران مؤثرترین روش برای کسب و حفظ تسلط این کشور در خلیج فارس بود. جانشین فرمانده نیروی دریایی ایران، دریادار عباس محتاج، در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵ طی نامه ای به روزنامه انگلیسی زبان کیهان بین المللی، استراتژی ممانعت ایران را تشریح کرد:

«استراتژی نظامی ایران یک استراتژی دفاعی است. با مد نظر داشتن پتانسیل اقتصادی و فرهنگی کشور، استراتژی جدید نیروی دریایی ایران باید بتواند به هرگونه تهدید احتمالی از سوی آمریکا یا اسرائیل پاسخ مناسب بدهد... استراتژی جدید شامل برنامه ای برای گسترش و مدرنیزه کردن نیروی دریایی است که این نیرو را تقویت می کند و بر توانایی های آن برای دفاع در برابر هر تهدید خارجی می افزاید. بنابر این، ایران فقط به ایفای نقش در خلیج فارس نمی اندیشد، بلکه در دریای عمان و حتی در اقیانوس هند نیز بازیگر مهمی خواهد بود. ساخت پایگاه چابهار و خرید زیردریایی از روسیه نیز در همین راستا خواهد بود...»

هیچ گونه خطر فوری ایران را تهدید نمی کند زیرا رقیب اصلی کشورمان، عراق،

کارخانه دولتی بزرگ و در حال حاضر از بیش از ۱۲۰۰۰ کارگاه خصوصی اختصاص داده شده به تولیدات نظامی حمایت می‌کند و در همین راستا، برای برخورداری از امتیاز مونتاژ هواپیماهای میگ MIG-29 و ساخت تانک‌های T-۷۲ با فدراسیون روسیه مذاکراتی را به عمل آورد. قرار بود تانک‌های T-۷۲ ساخت ایران دارای امکانات الکترونیک و زره واکنشی شبیه تانک‌های T-۸۰ عراق باشند. همچنین، ایران با کمک هند، برای زیردریایی‌های کلاس کیلو Kilo-class خود سکوها پرتاب موشک می‌سازد.^(۶)

سلاح‌های مورد استفاده ایران برای اجرای استراتژی ممانعت استراتژی بازدارنده ایران شش برنامه اصلی را در بر می‌گیرد که عبارتند از: زیردریایی‌ها، مین‌هایی با فن‌آوری پیشرفته، موشک‌های کروز ضد کشتی ساحل‌پایه (ASCM)، قایق‌های تندرو مجهز به موشک، نیروهای ضد کشتی نیروی دریایی سپاه و هواپیماهای لازم برای حملات دریایی.

زیردریایی‌های ایران

در اوایل سال ۱۹۹۴، زیردریایی‌های کوچک ایران که از سال ۱۹۸۸ از کره شمالی خریداری شده بودند، دیگر غیر قابل سرویس بودند. بعلاوه، این کشتی‌های کوچک فقط گنجایش ۵ تن بار یا ۱۴ عدد مین صدفی را داشتند. برای زیردریایی‌ها امکان آن وجود نداشت که مین‌های صدفی را از راه دور کار بگذارند. همین محدودیت باعث می‌شد غواصان نیروی دریایی سپاه وارد آب شوند و به صورت دستی، خرج مین‌ها را کار بگذارند. نیروی دریایی ایران و نیروی دریایی سپاه تقریباً

را تا حصول اطمینان از برتری خود در خلیج فارس، ادامه خواهد داد.^(۴)

نیروهای دریایی ایران (نیروی دریایی ارتش، نیروی دریایی سپاه پاسداران، نیروی هوایی ایران)، همانگونه که از دستاوردها و آموزش‌های آنها برمی‌آید، خط‌مشی اعلام شده توسط دریادار «محتاج» را دنبال می‌کنند. بعلاوه ایران پس از جنگ با عراق، به موضوع ناهمگونی و ناسازگاری تسلیحات و کمبود قطعات یدکی خود پرداخت. وزیر دفاع سابق ایران، «اکبر ترکان»، به این موضوع اشاره کرد و با برشمردن اولویت‌های ایران در خرید تسلیحات گفت: «

اولین اولویت ما قطعات یدکی است، دومین اولویت ما قطعات یدکی است، سومین اولویت ما قطعات یدکی است.» وی در همان مصاحبه افزود:

«متأسفانه، چون ناوگان ما عمدتاً از محصولات آمریکایی ساخته شده است، تأمین

قطعات یدکی بسیار دشوار است.»^(۵)

بعد از جنگ ایران-عراق، ایران استاندارد و یک‌دست کردن تجهیزات خود را بهترین راه حل برای رفع مشکل عدم سازگاری و کمبود قطعات یدکی می‌داند. البته باید توجه داشت که استاندارد مورد نظر ایران، روسی و چینی است. در ضمن، ایران در تلاش است تا حد ممکن، سلاح‌هایی را هم در داخل تولید کند. از سال ۱۹۹۰، ایران بیش از ۲۵۰

ایران نیاز چندانی به ممانعت از دسترسی سایر کشورها به دریا نداشت و فقط در پی افزایش هزینه برای آنها بود

که فوق مدرن و نسل چهارم از زیردریایی‌های کلاس لس آنجلس بود، به خلیج عمان فرستاد تا دورادور زیردریایی ایران را در اولین مراحل فعالیتش تحت نظر داشته باشد.^(۹)

از آنجاکه عمق خلیج فارس کم است و میزان گرمای هوا قابل پیش‌بینی نیست، انجام عملیات سونار تقریباً بی‌فایده است. بنابراین، این منطقه برای عملیات ضد کشتی در زیر دریا چندان مناسب نیست. فقط یک سوم از کل خلیج فارس از حداقل عمق لازم برای غوطه‌ور شدن زیردریایی (که ۱۰۰ فوت می‌باشد)، برخوردار است. همین نکته به تنهایی کافی

است که کارآیی آن را محدود نماید.^(۱۰)

در تنگه هرمز امکان اجرای عملیات محدودتر است. طول آب‌راه تنگه هرمز اندکی کمتر از ۱۰۰ مایل دریایی و عرض آن دست کم ۲۰ مایل دریایی است و عرض تنها کانال آن فقط دو مایل دریایی

ایران استاندارد و یک‌دست کردن تجهیزات خود را بهترین راه حل برای رفع مشکل عدم سازگاری و کمبود قطعات یدکی می‌داند

می‌باشد (که به دو منطقه تردد داخلی و خارجی تقسیم شده است). بعلاوه، محدود بودن جریان آب تازه در خلیج فارس و بالا بودن میزان بخار در این منطقه موجب شوری آب دریا و در نتیجه شکل‌گیری جریانات پیچیده در عمق آب در کانال اصلی می‌شود که اجرای هرگونه عملیات زیردریایی را بسیار دشوار می‌سازد. علاوه بر این، ردیابی زیردریایی‌ها با استفاده از امواج صوتی نیز غیر ممکن می‌شود. ایران

سه سال به دنبال یافتن پیمانکاری بودند که هم مایل به صدور زیردریایی‌هایش به خارج از کشور باشد و هم از قدرت کافی برای اعمال نفوذ بر دولت خود برخوردار باشد تا بتواند خلاف سیاست‌های آمریکا عمل کند. شرکت ایتالیایی Cosmos S.P.A. که بعد از جنگ جهانی دوم از بزرگ‌ترین سازندگان انواع شناورها بود، در اکتبر ۱۹۹۶، در خصوص پنج فروند زیردریایی ۴۰۰ تنی وارد مذاکره شد. علیرغم فشارهای وارد شده بر ایتالیا از سوی آمریکا، ایران اولین محموله را در اواخر سال ۱۹۹۹ دریافت کرد.^(۷)

بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری ایران در زمینه زیردریایی‌ها به زیردریایی‌های کلاس کیلو مربوط می‌شود. در منازعات گذشته در خلیج فارس، زیردریایی‌ها هیچ‌گونه فعالیت و تهدیدی نداشتند. اما زمانیکه ایران سه فروند زیردریایی دیزلی کلاس کیلو را به ارزش هرکدام ۶۰۰ میلیون دلار (البته برای سومین زیردریایی به دلیل تأخیر در ارسال و آموزش خدمه ۷۵۰ میلیون دلار پرداخت شد)، از روسیه خریداری کرد، این شرایط کاملاً تغییر کرد. اولین زیردریایی در نوامبر ۱۹۹۲ وارد ایران شد. دومین مورد در جولای ۱۹۹۳ به منطقه یکم نیروی دریایی در بندر عباس ارسال شد. به دلیل فشارهایی که از سوی آمریکا وارد می‌شد، روسیه ارسال زیردریایی سوم را تا دسامبر ۱۹۹۶ به تأخیر انداخت.^(۸)

اولین زیردریایی ایران، به نام طارق-۹۰۱، در کارخانه کشتی‌سازی سنت پترزبورگ ساخته شده بود. در زمستان ۱۹۹۲ آموزش خدمه و بررسی‌های تاکتیکی این کشتی به پایان رسید. آمریکا برای ابراز نگرانی خود از این اقدام ایران، زیردریایی USS Topeka را

C802 مورد استفاده قرار می‌گرفت.^(۱۳) اگرچه مشارکت زیردریایی‌های کلاس کیلو در فعالیت‌های مشترک ضد کشتی در نیروی دریایی ایران افزایش یافت، اما فعالیت اصلی آنها در زمینه مین‌های دریایی بود که به تنهایی و بدون کمک هواپیماها و کشتی‌های دیگر انجام می‌شد. ایران در قالب بسته فروش زیردریایی‌های کلاس کیلو، ۱۸۰۰ مین مدرن عمقی سری **UEP** و **KMD** را نیز دریافت کرد. در اوایل سال ۱۹۹۵، ایران تعداد زیادی از مین‌های جهشی **MC52** ساخت چین را خریداری کرد. این مین‌ها شکل تغییر یافته مین‌های روسی **KMD3000** بودند که کلاhek آنها ۲۵۰ کیلوگرم وزن داشت و با سرعت بیش از ۱۰۰ گره از اعماق دریا به سوی هدف پیش می‌رفت. پاکسازی منطقه از مین‌های **MC52** بسیار دشوار می‌باشد و این مین‌ها به هنگام عبور هر کشتی از نزدیکی حس‌گرهای آنها با هرگونه سیگنال مغناطیسی، صوتی، فشار، یا لرزش فعال می‌شوند. همچنین، این مین‌ها از توانایی شمارش تعداد کشتی‌های عبوری برخوردارند. بعلاوه، مدارهایی در آنها کار گذاشته شده است که صداها و در نتیجه نوع کشتی‌ها را تشخیص دهند و ارتفاع جهش کلاhek آنها در داخل آب به ۳۵۰ فوت می‌رسد. مین‌های **MC52** می‌توانند در تنگه هرمز، غرب خلیج عمان و بندرهای متعدد خلیج فارس کارایی بالایی داشته باشند.^(۱۴)

موشک‌های کروز ضد کشتی ایران

عنصر مهم دیگر در استراتژی ممانعت ایران، موشک‌های کروز ساحل‌پایه این کشور است. هرچند که ایران سیستم **C802** را که توانمندتر

در نظر داشت که حتماً از زیردریایی‌های خود در خلیج فارس و تنگه هرمز استفاده کند. در اوایل سال ۱۹۹۳، دریادار علی شمشخانی در یک مصاحبه مطبوعاتی خارجی ادعاهای مربوط به عدم کارایی زیردریایی‌های ایران در آب‌های خلیج فارس را رد کرد و گفت: «این زیردریایی‌ها نه تنها در خلیج فارس بلکه در هر آب دیگری قابل استفاده هستند».^(۱۱)

اگرچه سطح آموزش‌های تخصصی ارائه شده توسط ایران در خلیج عمان و شمال دریای عرب در خصوص آموزش خدمه زیردریایی‌ها چندان بالا نیست، اما در عملیات‌های مشترک نیروی دریایی ایران در خلیج فارس، تنگه هرمز و کانال‌های نزدیک آن نیروهای بسیار زبده که آموزش‌های پیشرفته‌ای دیده‌اند، حضور می‌یابند. در صورت استفاده ایران از زیردریایی‌های کلاس کیلو در موقعیت‌های جنگی در خلیج عمان و یا فراتر از آن در اقیانوس هند، بکارگیری زیردریایی‌های مرگبار کلاس ۶۸۸ نیروی دریایی آمریکا چندان به صرفه نخواهد بود. زیرا امکان ندارد که زیردریایی‌های ایران از تیررس جنگ‌افزارهای زیر سطح آمریکا از جمله سلاح‌های هوا به سطح و گروه‌های شکار و بویژه وایکینگ **S-3B** جان سالم به در ببرند.^(۱۲)

نیروی دریایی ایران در ادامه سرمایه‌گذاری‌های خود در خصوص زیردریایی‌های کلاس کیلو بر آموزش مین‌گذاری و همچنین بر جمع‌آوری داده‌های مربوط به تردد کشتی‌ها و ارسال آن به منطقه اول نیروی دریایی در بندرعباس تمرکز کرد. این داده‌ها به همراه داده‌های ارسال شده از سایت‌های رادار ساحل‌پایه و هواپیماهای گشت برای افزایش دقت هدف‌گیری‌های افقی (**OTI-IT**) موشک‌های ضد کشتی کروز کرم ابریشم و



است، جایگزین موشک‌های کرم ابریشم کرده، اما این موشک‌ها هنوز هم قسمت عمده موشک‌های کروز ضد کشتی ساحل‌پایه این کشور را تشکیل می‌دهند. موشک‌های کرم ابریشم HY-2 به هشت سایت مختلف در شمال تنگه هرمز که شامل پایگاه دریایی چابهار، هوهستک،

جدیدترین سیستم موشک‌های کروز ضد کشتی ایران گونه‌ای از موشک‌های مافوق صوت SS-N-22 Sunburn روسیه هستند که از ساحل پرتاب می‌شوند.^(۱۷) در سال ۱۹۹۲، علیرغم فشار آمریکا، اوکراین هشت فروند موشک Sunburn را به مبلغ هر کدام ۶۰۰۰۰۰ دلار به ایران فروخت. این موشک‌ها که بردی معادل ۵۵ مایل دریایی و flight profile بیش از ۲/۵ ماخ داشتند، در می ۱۹۹۳ به بندر عباس رسیدند.^(۱۸)

قایق‌های تندرو و نیروهای ویژه نیروی دریایی سپاه

نیروهای ویژه و قایق‌های تندرو گشت سپاه ستون دیگر استراتژی ممانعت ایران را تشکیل می‌دهند. نیروی دریایی سپاه پاسداران ایران از جمله نیروهای دریایی در جهان است که بیشترین امکانات جنگی را در اختیار دارد. نیروی دریایی سپاه نه تنها کنترل اغلب قایق‌های تندرو و دست کم نیمی از سایت‌های پرتاب موشک‌های کرم ابریشم HY-2 را در دست دارد، بلکه از بیش از ۳۵ فروند قایق

جزیره هرمز، بندرعباس، جزیره قشم و سایت‌های جدید نیروی دریایی سپاه در جزایر ابوموسی و سیری ارسال شدند.^(۱۵)

خرید موشک‌های C802 ساخت چین نشان‌دهنده افزایش ظرفیت موشک‌های ضد کشتی نیروی دریایی ایران و نیروی دریایی سپاه می‌باشد. این موشک‌ها که گونه تغییر یافته موشک‌های اگزوسه هستند، بسیار انعطاف‌پذیرند و می‌توانند از کشتی، خشکی و هواپیما شلیک شوند. آنها در پرتاب سطح به سطح، بردی معادل ۳۸ مایل دریایی دارند، از یک جستجوگر رادار مدرن جی-باند (۹-۱۴ گیگاهرتز) استفاده می‌کنند که قادر به شناسایی تجهیزات پشت چف هستند و می‌توانند کشتی‌ها را در ورای پارازیت‌هایی که آنها برای دفاع از خود ارسال می‌کنند، تشخیص دهند. علاوه بر این، احتمال می‌رود که چین در اواسط سال ۱۹۹۵ تجهیزات مونتاژ موشک را در اختیار ایران قرار داده است تا بتواند در داخل کشور به صورت محدود موشک‌های C802 را تولید کند.^(۱۶)

در ساختمان همان مجموعه مستقر است. ایران با استفاده از غواصان ویژه و قایق‌های تندرو خود به طور مستمر به تمرین‌های مربوط به کاشت مخفیانه مین ادامه می‌داد.^(۲۲)

توانمندی‌های قایق‌های تندرو نیروی دریایی سپاه ایران با ده فروند قایق موشک انداز کلاس **Houdong** تکمیل می‌شود (برخی گزارش‌ها حاکی از احتمال بکارگیری تعدادی از آنها توسط نیروی دریایی سپاه پاسداران است). حداکثر سرعت این قایق‌های قدرتمند ۱۱۰ فوتی، ۳۵ گره دریایی است. تعداد خدمه آنها ۳۱ نفر است و می‌توانند ۴ فروند موشک **C۸۰۲** را با خود حمل کنند. مذاکره برای خرید این قایق‌ها که در گروه قایق‌های تندرو موشک انداز (**FACM**) قرار می‌گیرند، در اواسط سال ۱۹۹۵ آغاز شد اما به خاطر اختلاف نظر با چین بر سر نوع موشک، معلق ماند. چینی‌ها، به احتمال زیاد تحت فشار آمریکا، می‌خواستند موشک‌های **C۸۰۱** را که چندان پیشرفته نبود، در اختیار ایران بگذارند. ایران قایق‌های مزبور را به شرط تجهیز آنها به موشک **C۸۰۲** معامله کرده بود. چینی‌ها در نهایت کوتاه آمدند و پنج قایق اول را در سپتامبر ۱۹۹۴ و پنج قایق دوم را در اواسط سال ۱۹۹۶ ارسال کردند.^(۲۳)

پدافند هوایی نیروی دریایی ایران

ایران تقریباً تمام ۱۴۵ فروند هواپیما را که در طی جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس از عراق دریافت کرده بود، نگه داشت و در طی سه سال بعد، به تدریج این هواپیماها را وارد نیروی دریایی خود کرد. در میان سلاح‌های بازدارنده ایران، ۵۰ فروند هواپیمای جنگنده سوخو ۲۴ و میراژ اف ۱ مجهز به موشک‌های اگزوسه ضد کشتی به چشم می‌خورند که قبلاً

گشت پیشرفته **Boghammer** ساخت سوئد و ۳۵-۴۰ فروند قایق بوستون ساخت آمریکا و تعداد زیادی هاورکرفت و **Shah-cra River Roadsted Patrol** نیز بهره‌مند است.^(۱۹)

در سال ۱۹۸۳، شرکت دریایی **Boghammer Ltd** ۵ فروند قایق گشت کلاس **IPB** را برای نیروی دریایی سپاه ایران ارسال کرد تا به ظاهر در گمرک این کشور مورد استفاده قرار گیرند. این قایق‌ها در فعالیت‌های مشترک نیروی دریایی ایران و نیروی دریایی سپاه نقش مهمی ایفا می‌کردند. سرعت آنها (با توجه به شرایط دریا و حجم بار قایق) می‌تواند به ۶۹ گره دریایی و برد آنها نیز به بیش از ۵۰۰ مایل دریایی برسد.^(۲۰)

قایق‌های **Boghammer** و سایر قایق‌های تندرو نیروی دریایی سپاه توان اجرایی کمی دارند و ردیابی آنها در فاصله بیش از پنج مایلی بر روی آب بسیار دشوار است. پایگاه‌های قایق‌های تندرو در تعدادی از جزایر دریایی و سکوهای نفتی قرار دارد. این قایق‌ها که می‌توانند به سرعت و با کمترین علائم هشدار می‌توانند، بیشتر در جزایر فارسی، حلول (یک سکوی نفتی ساخت انسان)، سیری، ابوموسی، لارک و پایگاه اصلی نیروی دریایی سپاه در بندرعباس متمرکز هستند.^(۲۱)

نیروی دریایی سپاه، دارای سیستم‌های توپخانه ساحلی نیز هست و تقریباً دو هزار شناگر/ غواص رزمی ماهر را در اختیار دارد (برای مقایسه، تعداد نیروهای **SEAL** نیروی دریایی آمریکا کمتر از ۱۴۰۰ نفر می‌باشد). بعلاوه، ایران برای پشتیبانی از این برنامه خود، حجم عظیمی از تجهیزات غواصی را خریداری و یک مدرسه غواصی را در بندرعباس تأسیس نمود. فرماندهی جنگ‌های زیر دریایی سپاه نیز

چندین فروند هواپیمای بمبافکن Tu-22M روسی را که برای مأموریت‌های تهاجمی در دریا طراحی شده، خریداری کرده است.^(۲۶) هواپیماهای Su-24D ایران به هواپیماهای اف-۱۱۱ نیروی هوایی آمریکا که از رده خارج شده‌اند، بسیار شبیه هستند، با این تفاوت که وزن بال‌های آنها یک سوم و قدرت موتور آنها دو برابر بیشتر است. برد هواپیماهای سوخو-۲۴ که میانگین وزن سلاح‌شان به ۹۰۰۰ پوند می‌رسد، بسته به مشخصات پروازشان، بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ مایل است. این هواپیماها با استفاده از مخازن سوخت یدکی و سوخت‌گیری در هوا،

اساساً می‌توانند خود را به هر هدفی در عراق و کشورهای جنوب خلیج فارس برسانند.^(۲۷)

هواپیماهای جنگنده ایران تاریخچه جنگ سرد را در سابقه خود دارند. گروه طراحی توپولوف، هواپیماهای مافوق صوت Tu-22M را

ایران از نیروهای خود هم برای دفاع از مرزهای کشور و هم برای برخورداری از توان بستن تنگه هرمز و ایجاد اختلال در رفت و آمد کشتی‌ها در خلیج فارس و خلیج عمان استفاده می‌کند

برای اولین بار در اواسط دهه ۱۹۷۰ برای حمله به هواپیماهای ترابری آمریکا ارائه داد. تعداد هواپیماهای جنگنده به عنوان یک بمبافکن استراتژیک عالی و رقیب هواپیماهای ب-۱ نیروی هوایی آمریکا دو برابر شد. اگرچه این هواپیمای جنگنده می‌تواند در حملات اتمی نقش خوبی ایفا کند (شعاع پرواز آن، بدون سوخت‌گیری مجدد کل خاورمیانه، مدیترانه و مرکز اروپا را در بر می‌گیرد)، اما جمهوری

متعلق به عراق بودند. از سال ۱۹۹۰ به بعد، این ثروت بادآورده موجب رشد غیرمنتظره‌ای در دارایی‌های نیروی دریایی ایران و کارآمدی آموزش‌های ارائه شده در این نیرو شد. نیروی دریایی ایران در حال حاضر، دست کم بر طبق ادعاها، بسیار توانمندتر از زمان جنگ ایران-عراق می‌باشد.^(۲۴)

نیروی هوایی و دفاع هوایی ایران، با در اختیار داشتن بیش از ۳۰۰ فروند هواپیمای جنگنده، نیروهای خود را از ۱۲۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۹ به ۳۵۰۰۰ در اواخر سال ۱۹۹۵ نفر افزایش داد. طبق برآورد موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی لندن (IISS)، نیروی هوایی تهاجمی ایران و نیروی هوایی سپاه ایران در مجموع دوازده اسکادران هواپیمای جنگنده فعال در عملیات‌های زمینی و دریایی دارد که چهار اسکادران (۶۰ فروند) از آنها F-4D/E، چهار اسکادران (۶۰ فروند) از آنها F-5E/F، دو اسکادران (۴۰ فروند) از آنها Su-24 و دو اسکادران از آنها F-1 24 هستند. نیروی دفاع هوایی ایران از هفت اسکادران تشکیل شده است که یک اسکادران (۱۵ فروند) هواپیماهای اف-۱۴، دو اسکادران (۳۰ فروند) از هواپیماهای میگ ۲۹ و یک اسکادران (۲۵ فروند) از هواپیماهای F-7M ساخت چین (گونه‌ای از هواپیماهای میگ-۲۳) می‌باشد.^(۲۵)

نقش نیروی هوایی ایران در حملات دریایی همچنان رو به افزایش است. اگرچه برخی از اسکادران‌های نیروی هوایی ایران، به ویژه تمامی اسکادران‌های هواپیماهای اف-۱ و دست کم یک اسکادران از هواپیماهای سوخو-۲۴، هر دو دوره حملات زمینی و دریایی را پشت سر می‌گذارند، اما نقش آنها در حملات دریایی به عنوان نقش اصلی آنها فرض و تأکید می‌شود. ضمن این که نیروی هوایی ایران

(برای ایجاد اختلال و پارازیت در ارتباطات) و جمع‌آوری اطلاعات سیگنالی بود. قایق‌های تندرو سپاه و زیردریایی‌ها تلاش خود را بر مین‌گذاری و تمرین حملات دریایی مشترک با استفاده از موشک‌های ضدکشتی ساحل پایه کروز متمرکز کرده بودند. توجه نیروی هوایی، کشتی‌های جنگی نیروی دریایی و مانورهای آبی- خاکی ارتش ایران به آب‌های جنوب خلیج فارس و جزایر بین حوزه نفتی نوروز و لاوان معطوف بود. دست کم ۳۶۰۰۰ نفر در مانور پیروزی-۴ شرکت داشتند. تیمسار دادبین، فرمانده ارتش جمهوری اسلامی ایران در توضیحات خود گفت که این مانور نشان‌دهنده همکاری‌های متقابل نیروهای نظامی ایران می‌باشد. وی همچنین تأکید کرد: «این مانور مشترکاً توسط ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران برگزار شد.»^(۳۰) فاز سوم مانور پیروزی-۴ آخرین مرحله از نبرد بود. این مانور با رمز «بوشهر» در قسمت شمالی خلیج فارس اجرا شد و بر مشارکت و فعالیت تعداد زیادی از نیروها در دریا و همچنین دفاع از جزایر تأکید داشت. در حالی که موجی از کشتی‌های جنگی و هواپیماهای ترابری پر از نیرو در منطقه به راه افتاده بود، نیروی هوایی ایران با حمله هوایی به جزیره لاوان حداکثر ظرفیت و توان مانور پیروزی-۴ را به نمایش گذاشت. در سواحل لاوان، استقرار نیروهای آبی- خاکی و «عملیات مردان قورباغه‌ای» فعالیت نیروهای هوایی را تقویت کرد.^(۳۱) اگرچه پیروزی-۴ یک مانور آبی- خاکی بود، اما استراتژی ممانعت ایران را تأیید و تقویت می‌کرد و توانایی بالقوه ایران را برای بستن تنگه هرمز و اراده پرشور این کشور را برای دفاع از جزایر تحت مالکیت خود نشان

اسلامی ایران این هواپیمای استثنایی را برای نقش اصلی آن یعنی حملات دریایی دوربرد خریداری کرده است.^(۲۸)

فعالیت‌های نیروی دریایی ایران

ایران قسمت عمده توان دریایی خود را برای اجرای استراتژی ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس به کار می‌گرفت. مهم‌ترین این فعالیت‌ها مانورهای دوسالانه پیروزی و مانورهای سالانه TM-73 بودند. مانورهای پیروزی در نوع خود در خلیج فارس بی‌نظیر بودند و مبالغ هنگفتی از بودجه آموزشی نیروهای نظامی ایران را به خود اختصاص می‌دادند.

مانور ده روزه پیروزی-۴ که در آوریل ۱۹۹۳ برگزار شد، (اگرچه کاملاً از قبل طراحی شده بود)، یک فعالیت متمرکز مشترک بین تمامی نیروهای ارتش و سپاه بود. فرماندهان ارشد

نظامی ایران چند روز قبل از مانور، در یک کنفرانس خبری هدف این مانور را نمایش «آمادگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از تمامیت ارضی کشور در هر شرایطی» اعلام کردند.^(۲۹)

ویژگی مهم مانور پیروزی-۴ استفاده از موشک‌های کروز ضد کشتی توسط نیروی دریایی و هوایی در سطح و زیر سطح دریا و همچنین استفاده از جنگ‌افزارهای الکترونیکی

ویژگی مهم مانور پیروزی-۴ استفاده از موشک‌های کروز ضدکشتی توسط نیروی دریایی و هوایی در سطح و زیر سطح دریا و همچنین استفاده از جنگ‌افزارهای الکترونیکی بود



می‌داد. سه روز پس از پایان مانور پیروزی-۴، ستاد مشترک ایران به طرح‌ریزی یک مانور با پاکستان پرداخت. مانورهای مشترک ایران با نیروی دریایی پاکستان در پاییز ۱۹۹۳ آغاز شد و با دیدار فرمانده کل نیروی دریایی ایران، دریادار علی شمخانی، از این کشور در ژانویه ۱۹۹۴ به اوج خود رسید.

رمز «شهامت-۷۳» در ۲۰ فوریه ۱۹۹۴ آغاز شد. این مانور پانزده روزه در شمال دریای عرب در آب‌های ساحلی بندر کراچی پاکستان برگزار شد و طبق سناریوی آن، نیروی دریایی ایران از تنگه هرمز وارد عمل شد. یک سری مانورهای دیگر هم در ادامه مانور شهامت-۷۳ تقریباً در ۱۰۰۰ مایلی منطقه دوم دریایی شمال خلیج فارس صورت گرفت که اقدامات تاکتیکی دریایی و هوایی از ویژگی‌های آنها بود. این اقدامات شامل دفاع هوایی، جنگ الکترونیکی و عملیات ویژه نامعین بود.^(۳۴)

اندکی پس از خاتمه مانور شهامت-۷۳، نیروهای ایران سری مانورهای سالانه فتح (که بعداً TM-73 نامیده شد) را آغاز کردند. این مانور همان مانور پیروزی در مقیاس کوچک‌تر بود که شش روز طول کشید و تمرین فرماندهی و کنترل و تعامل بین نیروی دریایی و زمینی سپاه و ارتش ایران بود. در بهار سال ۱۹۹۴، در مانور «فتح-۳» (واحدی از نیروی زمینی، دریایی و هوایی شرکت داشتند. هدف این مانور به نمایش گذاشتن توان رزمی نیروهای نظامی ایران بود.^(۳۵)

این دیدار که تبلیغات زیادی در خصوص آن انجام گرفت، با دو هدف ترتیب داده شد؛ ممانعت از نزدیکی بیشتر پاکستان و آمریکا و همچنین ملاقات با بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر پاکستان.^(۳۲)

در دیدار بوتو و شمخانی، این دو مقام ارشد بر گسترش روابط نزدیک‌تر نظامی و «تحکیم پیوندها» بین دو کشور تأکید کردند. نکته قابل توجه این بود که تا آن زمان، فرمانده ستاد مشترک همواره از میان افسران ارتش انتخاب می‌شد. اما انتخاب دریادار به این سمت و قائل شدن اهمیت زیاد به دیدار وی با مقامات پاکستان، نمودی از سلسله مراتب قدرت در ساختار نیروهای دریایی جمهوری اسلامی ایران بود. شمخانی در مصاحبه خبری در پایان این سفر، خشنودی خود را از ثبات سیاسی پاکستان ابراز داشت. از نشانه‌های اهمیت این دیدار این بود که رئیس ستاد پاکستان، ژنرال عبدالوحید، شخصاً میزبانی آن را بر عهده داشت.^(۳۳)

مانور دریایی مشترک ایران و پاکستان با

عنوان فرمانده نیروهای مشترک بود.^(۳۷) در این مانور برای اولین بار، عملیات مین‌روبی و امداد و نجات هم گنجانده شده بود که در مانورهای گسترده و مشترک قبلی وجود نداشت. در ستاد فرماندهی نیروهای مشترک، فرماندهی ویژه جنگ مین ایجاد شد. هلی‌کوپترهای KHM-53 و مین‌روب‌های قدیمی ایران (که ساخت آمریکا بودند)، عملیات مین‌روبی را در قسمت جنوبی خلیج فارس اجرا کردند و سعی کردند تجهیزات جدید و ارتقاء یافته خود را که ساخت کشورهای اروپایی (احتمالاً فرانسه و آلمان) بود، به نمایش بگذارند. تمام عملیات مین‌روبی در آب‌های خلیج فارس اجرا شد. دریادار شمخانی برای تأکید بر نقش نیروی زمینی در مانور پیروزی-۶ اظهار داشت: «۳۱ عملیات از کل ۱۸۶ عملیات ترتیب داده شده در این مانور توسط نیروی زمینی انجام شد.»^(۳۸)

فاز ۳ مانور پیروزی-۶ شامل یک حمله آبی-خاکی گسترده بود. ایرنا در ۹ جولای ۱۹۹۵ این رویداد را چنین توصیف کرد:

فاز سوم مانور نظامی پیروزی-۶ که شامل عملیات آبی-خاکی بود، با موفقیت در قسمت شمالی خلیج فارس انجام شد. در این فاز از مانور، بیش از ۴۰۰۰ نفر از ارتش و نیروی دریایی سپاه به دشمن فرضی حمله کردند و مواضع آنها را به تصرف خود درآوردند. در کنار نیروی زمینی، جت‌های جنگنده و بمب‌افکن‌های نیروی هوایی به همراه قایق‌های توپ‌دار به دشمن فرضی حمله کردند. این مأموریت در محدوده‌ای به وسعت ۲۰ مایل دریایی انجام شد. عملیات شناسایی توسط هواپیماهای بدون سرنشین صورت گرفت. نفوذ هلی‌کوپترها به مواضع ساحلی دشمن،

مانور پنج روزه TM73-2 که از سری مانورهای فتح بود و به خاطر محدودیت‌های زیربنایی تا فوریه ۱۹۹۵ به تعویق افتاده بود، با هدف به نمایش گذاشتن میزان توانایی و همکاری نیروی دریایی ایران-نیروی دریایی سپاه و نیروی هوایی ایران در حملات ضد کشتی با استفاده از قایق‌های تندرو موشک‌انداز و بالگردهای رزمی انجام شد. خبرگزاری رسمی ایران، ایرنا، به نقل از غلام‌رضا معصومی، یکی از فرماندهان نیروی دریایی، که این مانور را از ستاد فرماندهی منطقه دو نیروی دریایی در بوشهر فرماندهی می‌کرد اعلام کرد: «چندین

فروند قایق پیشرفته از جمله قایق‌های موشک‌انداز و قایق‌های حمله سریع، تعداد زیادی از مردان قورباغه‌ای و همچنین هواپیماهای نیروی هوایی در این مانور شرکت داشتند.»^(۳۹)

بعد از تقریباً دو سال برنامه‌ریزی، مانور پیروزی-۶ به

مشکلات مالی در تابستان ۱۹۹۶ باعث لغو بسیاری از مانورهای دریایی ایران شد

فاصله تنها چهار ماه از مانور TM73-2 آغاز شد. این مانور که گونه پیشرفته مانور سال ۱۹۹۳ بود، به مدت هشت روز در چهار مرحله انجام شد و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر نیرو و به عبارتی کل نیروی دریایی ارتش و سپاه و قسمت عمده نیروی هوایی در آن شرکت داشتند. یکی از رویدادهایی که حاکی از اهمیت و نقش برجسته نیروی دریایی در استراتژی ایران بود، انتصاب فرمانده نیروی دریایی ایران، علی شمخانی، به

هوایی ارتش اجرا شد، بر دفاع از مرزهای ایران تمرکز داشت.^(۴۲)

مشکلات مالی در تابستان ۱۹۹۶ باعث لغو بسیاری از مانورهای دریایی ایران شد. مانور M73-5 در اوایل دسامبر ۱۹۹۶ آغاز شد که محدوده آن مانند مانور M73-4 بود. شلیک واقعی موشک C802 به سوی یک کشتی در تنگه هرمز گوشزدی بود برای ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا که در خلیج فارس پایگاه داشت.^(۴۳)

مانورهای دریایی ایران منعکس کننده انگیزه بازدارنده این کشور در خرید سلاح‌هایش بود.

ویژگی مشترک این مانورها بستن تنگه هرمز و دفاع از جزایر متفرق خلیج فارس بود. اگرچه برخی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) نیروهای نظامی ایران را به عنوان یک تهدید برای خود می‌بینند،

مانورهای دریایی ایران منعکس کننده انگیزه بازدارنده این کشور در خرید سلاح‌هایش بود

اما کشورهایی که همکاری نزدیکی با غرب دارند (برای نمونه عربستان سعودی)، واهمه چندانی از آن ندارند.

نیروهای آبی - خاکی ایران قادر به انجام عملیات عمده‌ای در قسمت جنوب خلیج فارس نیستند که بیشتر به خاطر استانداردهای این منطقه است. برد هواپیماها و هلی‌کوپترهای ایران کوتاه می‌باشد. موفق بودن حمله ایران علیه کشورهای آن سوی خلیج فارس، برای

عملیات هوایی و مین‌روبی کانال‌ها در دریا، بخش‌هایی از این مانور بودند.^(۳۹)

مانور M73-3، که به مانور خیبر تغییر نام یافت، در سپتامبر ۱۹۹۵ به دنبال مانور پیروزی-۶ ترتیب داده شد. در هفته دفاع مقدس (۲۲-۲۹ سپتامبر ۱۹۹۵) که پانزدهمین سالگرد «جنگ هشت ساله» بود، رسانه‌های دولتی ایران تبلیغات زیادی در مورد این مانور انجام دادند. واژه «خیبر» نام عملیات گسترده آبی - خاکی بود که در سال ۱۹۸۲ در جزایر مجنون در مرداب‌های جنوب عراق انجام شد. مانور خیبر نیز همانند سایر مانورهای مشترک ایران، بر انسداد سریع تنگه هرمز و ایجاد اختلال در روند کشتیرانی در خلیج فارس تمرکز داشت. علاوه بر این، ایران در این مانور از ده فروند قایق موشک‌انداز جدید کلاس Houdong خود استفاده کرد. این قایق‌ها که طولشان ۱۱۰ فوت بود و هر کدام به چهار فروند موشک کروز C802 ساخت چین مجهز بودند، انجام حملات مشترک با سکوهای پرتاب موشک‌های جدید C802 ساحل به دریا علیه نفت‌کش‌ها و کشتی‌های جنگی را تمرین کردند. (۴۰) یکی از رویدادهای مهم این مانور، ساخت پل موقت چند کیلومتری توسط مهندسين ارتش بود. این پل برای پشتیبانی از یک حمله آبی - خاکی علیه دشمن فرضی استفاده شد.^(۴۱)

بعد از مانور خیبر، مانور M73-4 در ۲۵ نوامبر ۱۹۹۵ اجرا شد که اساساً برای بهار ۱۹۹۶ برنامه‌ریزی شده بود. اگرچه این مانور محدودتر از مانور M73-3 بود، اما در اساس بسیار شبیه یکدیگر بودند. البته سناریوی دریای خزر در مانور M73-4 گنجانده شده بود. این سناریو که مشترکاً توسط نیروی زمینی و

مثال بحرین یا عربستان سعودی، پیش‌نیازهایی مانند شناسایی سواحل آن کشورها و استقرار گسترده نیرو را می‌طلبد. کشورهای عضو شورای همکاری نیز که از توانایی‌های ایران آگاه هستند، در تلاش هستند با کمک آمریکا به نیروهای آبی-خاکی ایران ضربه بزنند. بعلاوه، با در نظر گرفتن حضور آمریکا در منطقه، اجرای چنین عملیاتی در آن سوی خلیج فارس غیر ممکن خواهد بود.

جمع‌بندی

این مقاله از استراتژی دریایی اخیر ایران به‌عنوان یک استراتژی بازدارنده یاد می‌کند. ایران از نیروهای خود هم برای دفاع از مرزهای کشور و هم برای برخورداری از توان بستن تنگه هرمز و ایجاد اختلال در رفت و آمد کشتی‌ها در خلیج فارس و خلیج عمان استفاده می‌کند. البته با توجه به وابستگی خود ایران به کشتیرانی در خلیج فارس و عدم توانایی این کشور در کنترل کامل آب‌های منطقه، امکان ایجاد مانع از سوی ایران در برابر تردد کشتی‌ها یا حمله این کشور به قلمرو کشورهای عرب منطقه بسیار کم می‌باشد. ایران بیش از هر کشور دیگری در خلیج فارس به کشتیرانی منطقه متکی است. بعلاوه، داشتن روابط خوب با کشورهای حوزه خلیج فارس برای حفظ موقعیت و بقای ایران در اوپک ضروری است.

فعالیت کشتی‌های جنگی کوچک متعدد، قایق‌های گشتی، موشک‌های ضد کشتی زمین پایه و زیردریایی‌های ایران فقط به دفاع ساحلی و عملیات آبی-خاکی کوتاه‌برد محدود است. از آنجا که آموزش نیروهای ایرانی فقط بر بستن تنگه هرمز و دفاع ساحلی تمرکز دارد، احتمال حمله علیه کشورهای منطقه و



16. Anoushiravan Ehteshami, «the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran.» Jane's Intelligence Review, February 1993, 76-79.
17. Jane's intelligence Review --Special Report Number 6: Iran's Weapons of Mass Destruction, 16-22.
18. Erick Arnett, Sea-Launched Cruise Missiles and US Security, (New York: Preacher Inc, 1992) 15-22.
19. Jane's Fighting Ships 1996, 325.
20. Jane's Fighting Ships 1996, 325.
21. Jane's Fighting Ship 1996, 325.
22. Jane's Defense Weekly, 11 July 1987, 15.
23. Jane's Intelligence Review, September 1996, 411-414.
24. The Military Balance 1995-1996, (London UK; The International Institute for Strategic Studies, 1995) 13 1-1 35.
25. The Military Balance 1995-1996, (London UK; The International Institute for Strategic Studies, 1995) 13 1-135.
26. Cordesman, Iran & Iraq: The Threat from the Northern Gulf; 57.
27. Jane's All the World's Aircraft Weapons Systems. (Thorton Heath, UK: Jane's Information Group, 1995, 442.
28. Ibid.
29. The Military Balance 1995-1996, (London UK; The International Institute for Strategic Studies, 1995) 138.
30. 3rd phase of victory-4 Maneuver Launched,» IRNA-Net Iran in English, 29

یادداشت‌ها:

1. Jane's Intelligence Review --Special Report Number 6: Iran 's Weapons of Mass Destruction, November 1995: 8-9.
2. Ibid.
3. John Strachey, On The Prevention of War,(New York; St. Martins Press, 1962), 58.
4. «Kayhan International, 12 December 1995.
5. kordesman, Iran & Iraq: The Threat from the Northern Gulf, p.55; US Naval institute database, United Communications Group and the US Naval Institute Press, 1997.
6. Banks and James Bruce, «Iran Builds Its Strength,» Jane's Defense Weekly, 17, no. 5, 1 February 1992, 158-1 59.
7. Cordesman, Iran & Iraq: The Threat from the Northern Gulf, 72.
8. Jane's Fighting Ships 1997, (Thorton Heath, UK: Jane's Information Group, 1996), 319.
9. David Miller, «Submarines in the Gulf,» Military Technology, June 1993, 42-45.
10. Ibid.
11. IRNA-Net Iran in English, 13 April 93, I.
12. IRNA in English, 13 April 1996.
13. Net Iran- IRNA, 13 April 93, I.
14. The US Navy 1995 Mine Warfare Plan, (Washington DC, US. Government Printing Office, 1996), 44.
15. Ibid.

43. IRNA-Net Iran in English, 25 November 1995, I.
31. Navy Commander, Pak Premier Call for Consolidation of Ties,» IRNA Net Iran in English, 6 February, 1994.
32. Iran and Pakistan Stage Joint Naval Maneuver,» IRNA Net Iran in English, 20 February 1994, I.
33. Ibid.
34. «Iran and Pakistan Stage Joint Naval Maneuver,» IRNA Net Iran in English, 20 February 1994, I.
35. .Fath-3 Military Exercise Planned in Persian Gulf, IRNA Net Iran in in English, January 1994.
36. Iran's Naval Units Launched Maneuvers. IRNA Net Iran in English, 4 February 1995.
37. Mine Sweeping Operation Conducted during Victory Six War game, IRNA Net Iran in English, 4 July 1995.
38. Last Stage of Victory Six War game Ends Successfully, IRNA-Net Iran in English, 5 July 1995, 1.
39. Third phase of Victory-six Navy Maneuver Ends,» IRNA Net Iran in English, 9 July 1995, 1.
40. Persian Gulf-Maneuvers Khaibar Amphibious Maneuvers Underway in Persian Gulf,» IRNA-Net Iran in English, 23 September 1995,1.
41. Ibid.
42. Navy to Launch Two Maneuvers in Persian Gulf, Caspian Sea,» IRNA Net Iran in English, 25 November 1995, I.